



University of Tehran Press

A comparative study of civil responsibility of government towards users of the COVID-19 vaccine in Iran and America's law

Ahmad Jafari¹ | Hamid Abhari^{2✉} | Sam Mohammadi³

1. Department of Private Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Mazandaran, Iran. Email: jafari.lawyer20@yahoo.com
2. Corresponding Author; Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Mazandaran, Iran, Mazandaran, Iran. Email: hamid.abhary@gmail.com
3. Department of Law, Faculty of Law and Political Sciences, University of Mazandaran, Iran, Mazandaran, Iran. Email s.mohammadi@umz.ac.ir

| Article Info | Abstract |
|--|---|
| <p>Article Type: Research Article</p> <p>Received: 2023/09/29</p> <p>Received in revised form: 2024/04/20</p> <p>Accepted: 2024/05/16</p> <p>Published online: 2024/06/21</p> <p>Keywords: <i>Civil responsibility, Compensation, Covid vaccination, Government.</i></p> | <p>Coronavirus or COVID-19 is a disease which affected most of countries for many years such as Iran and America and caused lots of difficulties and suffering for governments and people. Nowadays one of the important matters regarding the civil responsibilities of the government is transmission and spread of Coronavirus among people. Due to that the aim of this project is to comparatively analysis the conditions of the civil responsibility of the government towards the use of COVID-19 vaccination and methods of compensation in the Iranian and American legal system. The writer of this article tried to refer to the subject by sticking to the descriptive-analytic method to explain the adaptation of the civil liability of the legal system of Iran and America and find out the differences between them. Results obtained from this research show the government's responsibility plan regarding this epidemic disease. It means the action or decision by the authorities can lead to the responsibility of the government. Also, in the American legal system to compensate the loss and damages caused by this COVID-19 vaccination the compensation fund and civil responsibility insurance to pay for this case is established. Other achievements are that the government's exemption from non-judgment damages is exceptional and the main principles of the necessity require compensating unjust loss. The government can only cite it when it is sure that it has legal documentation.</p> |
| <p>How To Cite</p> | <p>Jafari, Ahmad; Abhari, Hamid; Mohammadi, Sam (2024). A comparative study of civil responsibility of government towards users of the COVID-19 vaccine in Iran and America's law. <i>Comparative Law Review</i>, 15 (1), 69-91. DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2023.355806.634474</p> |
| <p>DOI</p> | <p>10.22059/jcl.2023.355806.634474</p> |
| <p>Publisher</p> | <p>The University of Tehran Press</p> |





مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی دولت‌ها در قبال استفاده‌کنندگان واکسن کووید ۱۹ در حقوق ایران و امریکا

احمد جعفری^۱ | حمید ابهری^۲ | سام محمدی^۳

۱. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. رایانامه: jafari.lawyer20@yahoo.com
 ۲. نویسنده مسئول؛ گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. رایانامه: hamid.abhary@gmail.com
 ۳. گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه مازندران، مازندران، ایران. رایانامه: s.mohammadi@umz.ac.ir

| اطلاعات مقاله | چکیده |
|--|--|
| <p>نوع مقاله: پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۷</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۲/۰۱</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۷</p> <p>تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۳/۰۴/۰۱</p> <p>کلیدواژه‌ها: جبران خسارت، دولت، مسئولیت مدنی، واکسن کووید ۱۹.</p> | <p>ویروس کرونا یا کووید ۱۹ چند سالی است که بیشتر کشورهای دنیا از جمله ایران و امریکا را درگیر کرده و موجب مصائب و مشکلات فراوانی برای دولت‌ها و مردم شده است. امروزه یکی از مسائل مهم، مسئولیت مدنی دولت‌ها ناشی از انتقال و سرایت ویروس کرونا در بین مردم است. به همین دلیل از اهداف این پژوهش، بررسی تطبیقی شرایط و اوصاف مسئولیت مدنی دولت در قبال استفاده از واکسن کووید ۱۹ و شیوه‌های جبران خسارت در نظام حقوقی ایران و امریکا است. نگارندگان در مقاله پیش رو تلاش داشته‌اند با تمسک به شیوه توصیفی - تحلیلی به تبیین موضوع بپردازند تا ضمن بیان انطباق نظام حقوقی مسئولیت مدنی در کشورهای ایران و امریکا، وجوه افتراق آنان در این خصوص مشخص شود. از دستاوردهای این پژوهش، طرح مسئولیت دولت در این بیماری همه‌گیر است؛ یعنی عملکرد یا اتخاذ مواضع خنثی از سوی مسئولان می‌تواند مسئولیت دولت را به‌دنبال داشته باشد. همچنین در نظام حقوقی امریکا برای جبران خسارت احتمالی ناشی از استفاده از واکسن کووید ۱۹، صندوق جبران خسارت و بیمه مسئولیت مدنی در نظر گرفته شده است. دستاورد دیگر، بیانگر این است که معافیت دولت از جبران ضرر غیر، حکمی استثنایی است و اصل ضرورت جبران ضرر ناروا اقتضا می‌کند دولت فقط در قدر متیقن که مستند قانونی دارد، بتواند به آن استناد نماید.</p> |
| استناد | <p>جعفری، احمد؛ ابهری، حمید؛ محمدی، سام (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی دولت‌ها در قبال استفاده‌کنندگان واکسن کووید ۱۹ در حقوق ایران و امریکا. <i>مطالعات حقوق تطبیقی</i>، ۱۵ (۱)، ۶۹-۹۱.</p> <p>DOI: https://doi.com/10.22059/jcl.2023.355806.634474</p> |
| DOI | 10.22059/jcl.2023.355806.634474 |
| ناشر | مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران. |



۱. مقدمه

حق بر سلامتی یکی از بنیادی‌ترین، بدیهی‌ترین و گسترده‌ترین حق‌های بشری در نظام بین‌المللی حقوق بشر به‌شمار می‌آید. اولین اشاره به این مفهوم در ماده ۵۵ منشور ملل متحد آمده است که طبق بند «ب» این ماده، دولت‌ها متعهد به ترویج راه‌حلی برای مشکلات مربوط به سلامت هستند. انعکاس بعدی بهداشت و سلامت عمومی در اساسنامه سازمان بهداشت جهانی مندرج است که سلامتی را نه صرفاً به معنای فقدان بیماری، بلکه در مفهوم سلامت کامل جسمانی و روانی قلمداد کرده و هدف سازمان را ارتقای سطح سلامتی تمام افراد تا بالاترین حد ممکن تلقی نموده است.

در غرب تا قرن نوزدهم اعتقاد بر این بود که قوه حاکمه نه فکر ناروا دارد و نه عمل ناروا، اما از قرن نوزدهم به بعد دولت‌ها فراموش کردند که فقط برای اعمال قدرت و تأمین امنیت مردمان و خدمتگزاری صادقانه ایجاد شده‌اند و رو به فعالیت‌هایی آوردند که روز به روز دولت را مانند یک شخص در جامعه نشان می‌داد که می‌توانست منشأ خسارت برای دیگران شود. از این رو، «دولت محق» جای خود را به «دولت مکلف و مسئول» داد و اصل مصونیت رو به زوال رفت و اصل مسئولیت جایگزین آن شد (Batbie.A.Précis, 1869: 32).

در حقوق ایران، ماده ۱۱ مسئولیت مدنی، نمونه‌ای از نفوذ ایده‌های قرن نوزدهمی غرب در حقوق ایران است. ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی هنوز با حفظ تفکیک بین اعمال حاکمیت و اعمال تصدی مقرر می‌دارد: «کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند. ولی هر گاه خسارات وارده مستند به عمل آنان نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارات بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است؛ ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت، هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.

در نتیجه تصویب قوانین جدید و تغییر رویه دادگاه‌ها، حقوق مسئولیت مدنی در ایالات متحده آمریکا از دهه ۱۹۶۰ به بعد کم‌کم در جهت حمایت از زیان‌دیدگان گام برداشته و روز به روز دروازه مسئولیت مدنی در حقوق این کشور بازتر شده و این امر خود افزایش دعاوی مسئولیت مدنی را به‌همراه داشته است (بادینی، ۱۳۹۸: ۲۲۸).

حوادث سال ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ در مورد گسترش بیماری کووید ۱۹ این شبهه را تقویت کرد و واکنش دولت‌ها در شرایط متفاوت این تردید را جان تازه بخشید که آیا سیاست‌کاری‌های دولتی در دادن یا ندادن اطلاعات یا بد دادن اطلاعات می‌تواند مسئولیت دولت را به‌همراه داشته باشد یا نه؟ همچنین صرف‌نظر از

نقض حق بر اطلاعات که بی‌شک منتهی به مسئولیت می‌شود، آیا می‌توان جبران خسارت ناشی از بیماری یادشده را بر دولت تحمیل کرد؟ تحولات مسئولیت مدنی خسارت‌هایی را آشکار ساخته است که تا قبل از آن بی‌سابقه بود و در قرن بیست و یکم این تحولات ادامه داشته و خسارت‌های فراوانی با عناوین خاص پدید آمده است (Yazdanian, 2019: 52)؛ اما شاید هیچ‌کدام به گستردگی خسارت ناشی از کرونا (کووید ۱۹) نبوده است.

به‌رغم تمامی هشدارها و تعهد حقوقی دولت‌ها به رعایت اصل «تلاش بایسته» در برابر بلایای ناشی از بیماری‌های واگیردار از این دست، کاستی‌های فراوانی در عکس‌العمل به‌موقع و مؤثر دولت‌ها دیده می‌شود. برای مثال در ایالات متحده آمریکا در برابر هشدار سازمان جهانی بهداشت برای نمونه‌برداری سریع و مؤثر از افراد مشکوک به ابتلا به این بیماری، هزارها مورد بدون نمونه‌برداری باقی ماند. این درحالی بود که اولین مورد ابتلا به این بیماری در ۲۱ ژانویه ۲۰۲۰ در این کشور شناسایی شد و ناگفته پیداست که ایالات متحده از امکانات اقتصادی، انسانی و فنی کافی برای این کار برخوردار بوده است. کاستی‌های دولت‌ها در مقابله با این بیماری تنها به اینجا ختم نمی‌شود. در ایران و بریتانیا نیز پس از تردیدهای فراوانی که در این مورد ابراز گردید، در نهایت اقداماتی برای فاصله‌گذاری اجتماعی و منع تجمعات اتخاذ شد (Coco, 2020: 362). این مثال‌ها حصری نیستند و در مورد بسیاری از دولت‌ها صدق می‌کنند؛ بنابراین آن‌چنان که مشاهده می‌شود، کاستی‌های موجود در این عرصه تنها به چین ختم نمی‌شود و اگر قرار بر اقامه دعوی باشد، عدالت حکم می‌کند که این دعوی در حق تمامی دولت‌های ناقض تعهدات بین‌المللی راجع به بهداشت جهانی اقامه گردد.

مسئولیت مدنی دولت از دیدگاه حقوق داخلی با در نظر گرفتن اینکه دولت برای تحقق اهداف خود وظایف و تکالیف و مأموریت‌هایی را بر دوش دارد و با توجه به اینکه ابزار و وسایل گوناگونی را در خدمت گرفته و خطرها و خساراتی را متضمن است، باید دید در این صورت آیا دولت و سایر نهادهای وابسته مثل اشخاص حقیقی، مسئول اعمال خویش هستند؟ و آیا باید از عهده خسارت‌هایی که به دیگران وارد می‌شود برآیند؟ در هر حال، پذیرش نظریه مسئولیت مدنی دولت در قبال استفاده از واکسن کووید ۱۹ در دو کشور ایران و آمریکا چگونه است؟

۲. مبانی مسئولیت مدنی دولت

دولت به‌عنوان نهادی فعال در جامعه پزشکی از شخصیت حقوقی برخوردار است. طرح مسئولیت مدنی دولت شاید در بادی امر قابل تأمل باشد، چراکه در متون حقوقی به‌طور معمول از مسئولیت مدنی اشخاص حقیقی سخن به‌میان می‌آید و تصور این مسئله که شخص حقوقی موجب زیان اشخاص گردد دشوار است؛ به‌ویژه اینکه ماده نخست قانون مسئولیت مدنی عبارت «هرکس» را به کار برده است؛ با وجود این باید

پذیرفت که اعمال دولت‌ها ممکن است منجر به ضرر اشخاص ثالث اعم از بیماران و کادر درمان گردد؛ چراکه آنان در مقابل عموم مردم و جامعه، حقوق و تکالیفی دارند و هرگاه سهل‌انگاری و قصور آنان در انجام تکالیف منجر به زیان بیماران گردد ضمان برعهده آنها مستقر خواهد شد (مؤذنی، ۱۳۹۹: ۴۰۷-۴۰۸). معیارهایی که می‌توان برای تحلیل مبنای مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری‌های واگیردار به کار گرفت لزوماً جدید نیستند؛ اما برخلاف مبانی سنتی که در پرونده‌های متعدد راهگشاست، ممکن است در دعاوی خاصی به کار گرفته شده باشد. یکی از تحلیل‌های مبنایی ممکن است این باشد که هرگاه وقوع یا گسترش بیماری به دو یا چند عامل ارتباط داشته باشد که برخی از آنها طبیعی بوده و برخی دیگر با خطای انسانی یا سازمانی (غیرطبیعی) ارتباط داشته باشد، باید عامل غیرطبیعی را مسئول جبران خسارات وارده دانست (U.S. v, 1995: 741) و علت را باید در قابلیت کنترل عوامل انسانی یا سازمانی در مقایسه با عوامل طبیعی جست.

در خصوص قواعد حاکم بر مسئولیت مدنی این طور می‌توان گفت که ناشی از اندیشه‌های فلسفی حاکم بر آن سیستم است. شیوه برداشت از فرد، جامعه و آموزش‌های بنیادین همچون عدالت، دوری و هنجارهای اجتماعی و اخلاقی و ... در تعیین سیاست‌گذاری‌ها و هدف و همین‌طور مبنای مسئولیت مدنی در نظام‌های حقوقی بی‌تأثیر نیست.

بر این اساس، بعضی از نظام‌های حقوقی از جمله ایران و آمریکا، در بخش مسئولیت «کثرت‌گرایی»^۱ را برگزیده‌اند و بعضی دیگر از نظام‌های حقوقی مانند سیستم حقوقی کشور فرانسه «وحدت‌گرایی» را ترجیح داده‌اند.^۲

مقصود از کثرت‌گرایی این است که در آن سیستم حقوقی برخی از خطاها، مثل بی‌احتیاطی، توهین و فریب وجود دارند که هریک از آنها جهت محقق شدن مسئولیت مدنی از یک سری ویژگی‌ها، اوصاف و قواعد خاص خود برخوردار هستند و این درحالی است که در نظام‌های وحدت‌گرا یک اصل کلی برای مسئولیت مدنی موجود است که جبران هر نوع خسارتی را شامل می‌شود (بادینی، ۱۳۸۴: ۴۱).

در خصوص آرای نظام‌های حقوقی باید گفت که این آرا را می‌توان از دیدگاه‌های فلسفی در خصوص مبنای مسئولیت مدنی به سه گروه دسته‌بندی کرد (بادینی، ۱۳۸۴: ۶۴-۶۷):

اول، نظریه‌های مرسوم. بر اساس این نظریه‌ها، مسئولیت مدنی، مسئولیت فردی است که تابع اصول و هنجارهای خلاف است و مسئولیت بر اساس مفاهیم و ارزش‌های اخلاقی مثل تقصیر، عدالت، حق، آزادی، برابری، رابطه علیت، قرارداد اجتماعی، وفای به عهد و ایجاد خطر، ناروا توجیه می‌شود.

1. system pluralist
2. System moniste

دوم، نظریه‌های ابزارگرا. در این نظریات مسئولیت مدنی ابزاری است جهت دستیابی به اهدافی که از جنبه اجتماعی به صورت مستقل قابل توجیه و مطلوب هستند. برخی از این اهداف، شامل عادلانه بودن توزیع خطر، توزیع عادلانه هزینه در میان افراد کل کشور و نهی انسان‌ها از رفتارهای غیراجتماعی و مضر است. در این دیدگاه از دید حقوق عمومی به مسئولیت مدنی نگریسته می‌شود.

سوم، کثرت‌گرایی نسبی. با توجه به این واقعیت که با یک اصل نمی‌توان عدالت اجتماعی میان دو طرف، عامل زیان و زیان‌دیده، برقرار ساخت و از طریق اصل واحدی نمی‌توان قواعد ماهوی مسئولیت مدنی را توجیه کرد؛ لذا بر اساس این دیدگاه، مسئولیت مدنی مرکب از ارزش‌های متنوع مرتبط با سودمندی اجتماع، و اخلاق مربوط به نظام مسئولیت فردی است. اصل مسئولیت مدنی در دنیای امروزی در اکثر نظام‌های حقوقی از جمله نظام حقوقی ایران و امریکا پذیرفته شده است. در همین خصوص در نظام حقوقی کشور ایران و امریکا، مسئولیت مدنی برای اشخاص حقوقی دولت و نهادهای زیردست از جمله وزارتخانه‌ها، شرکت‌ها و اکثر نهادها مورد قبول واقع شده است. علت وجود چنین اصلی در نظام‌های حقوقی به این نکته برمی‌گردد که عدالت‌خواهی که در ذات انسان‌ها وجود دارد سبب آن می‌شود که مردم بپذیرند در صورتی که به شخص یا اشخاصی آسیب وارد کنند، ملزم و یا اجبار می‌شوند که به جبران خسارت زیان‌دیده اقدام نمایند. مهم، جبران خسارت زیان‌دیده است؛ چه خسارت از سوی شخص حقیقی باشد و چه شخص حقوقی (ژوردن، ۱۳۸۵: ۱۱۳).

۳. شرایط و اوصاف مسئولیت مدنی دولت در استفاده از واکسن کووید ۱۹

مسئولیت مدنی نیز مانند هر مسئولیت دیگری نیازمند شرایطی است (Viney & Jourdain, 2013: 1). اولین نکته‌ای که به ذهن می‌رسد، اثبات تقصیر دولت در زمینه برخورد با مسئله کرونا است؛ با این حال، مسئولیت دولت به راحتی قابل احراز نیست. رویکرد قضات در این موارد بسیار عمل‌گرایانه است. این ارزیابی شامل این است که آیا با توجه به آگاهی از خطری که ممکن است وجود داشته باشد، دولت آن گونه که شایسته و لازم بوده، عمل کرده است یا نه. در مورد این بیماری همه‌گیر، یعنی کرونا، که جهان با آن روبه‌رو بوده است، اینکه اقدامات اتخاذ شده ناکافی بودند یا دولت باید اقدامات بیشتری انجام می‌داد، فی‌نفسه نشانه تقصیر نیست. برای ارزیابی رفتار دولت، دشواری‌های تحلیل خطر، اقدامات اتخاذ شده و زمان شیوع و گسترش باید در نظر گرفته شود. رفتار هر دولت با رفتارهایی که سایر دولت‌ها نیز در همان وضعیت اتخاذ کرده‌اند، مقایسه می‌شود. مهم‌تر از همه، باید بین دو دوره زمانی تمایز قائل شد: هفته‌های اولیه شروع بیماری، یعنی زمانی که ویروس ظاهر شد، و دیگری زمانی که کشورها در حال عبور از آن و طی مسیری همراه با کرونا بودند. در مورد دوره اول، این سؤال مطرح می‌شود که آیا دولت به اندازه کافی خود را آماده

کرده بود، که این موضوع به مسئله پیش‌بینی خطر برمی‌گردد؛ یعنی آیا همه‌گیری چنین بلایی قابل پیش‌بینی بود؟ دوره دوم، دوره‌ای است با شرایط استثنایی که همان مرحله آلودگی بود که جهان در آن به سر می‌برد و دولت باید با شرایط اضطراری روبه‌رو می‌شد. به جز تخلفات و تقصیرات آشکار، تصور نمی‌شود قاضی دولت را صرفاً با ترک برخی از افعال مقصر بداند و اصولاً حکم به جبران این‌گونه خسارت‌ها به‌آسانی قابل تصور نیست؛ هرچند ابتدای مسئولیت بر مبنای تقصیر نیز خالی از ایراد نیست (زرگوش، ۱۳۸۹: ۳۸). بی‌دلیل نیست که از اواخر قرن نوزدهم به بعد مسئولیت بدون تقصیر دولت در حال باز کردن جایی در ادبیات حقوق تعهدات است، زیرا امروزه پذیرفته شده است که در مواردی دولت‌ها باید برخی از هزینه‌ها را بر مبنای منافع عمومی تحمل کنند (2010: 13; Hadi, 2004: 12).

همچنین، دشواری اثبات رابطه سببیت در مسئولیت دولت را نباید فراموش کرد (Vincent, 2010: 13)؛ مگر اینکه در مورد مسئولیت دولت از «فرض رابطه سببیت»^۱ استفاده شود (Deguerge, 2000: 32) که در این مورد دولت باید خلاف این فرض را ثابت نماید (Terneyre, 1994: 63 & Christine, 1993: 344). ایراد دیگر اینکه ممکن است گفته شود بلایای طبیعی به‌نوعی ناشی از قوه قاهره هستند و در نتیجه دولت مسئول آن نیست. این ایراد نیز قابل رفع است، زیرا قلمرو قوه قاهره در رویه قضایی برخی از کشورها به‌طور محدود تفسیر شده است و در نتیجه با تفسیر مضیق قلمرو قوه قاهره، رویه می‌تواند دامنه مسئولیت دولت را گسترده نماید و دولت‌ها در بلایای طبیعی مسئول باشند. همچنین با تدابیر پیشگیرانه می‌توان از وقوع بسیاری از خسارات جلوگیری کرد و اگر ترک فعل دولت یکی از ارکان مسئولیت باشد، مشکل رابطه سببیت با پذیرش تکلیف به پیشگیری قابل رفع است؛ چنانچه با معیار «اگر نبود» می‌توان دولت را در بلایای طبیعی و بیماری مسئول دانست (یزدانیان، ۱۴۰۱: ۱۵۴-۱۵۵). نکته قابل توجه اینکه اگر زیان دیده به شخصیت حقوقی دولت مراجعه کرد، مانع از این نیست که دولت به تابع خطاکار خود رجوع کند (Jourdain. Patrice, 2008: 315)، زیرا این مسئولیت در شرایطی می‌تواند نوعی مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر تلقی گردد (Maurie, 2002: 79; Williatte, 2009: 122).

۱.۳. مسئله صلاحیت

مسئولیت مدنی دولت به این دلیل تابع قانون است که صلاحیت دولت به جبران زیان تحت حکومت قانون قرار دارد. در واقع، اولین و برجسته‌ترین اثر حاکمیت قانون، جایگزینی «صلاحیت» به‌جای اهلیت است (آندره دو میشل، ۱۳۷۶: ۱۸) و این امر بدین معنی خواهد بود که انجام هر عملی از سوی مقام یا مرجع عمومی باید بر پایه قانون صورت گیرد (دل وکیو، ۱۳۸۰: ۱۶۹).

از آنجا که جبران خسارت نیز ایجاد نوعی صلاحیت است، بنابراین تا مجوزی برای انجام آن نباشد به این معنی است که دولت صلاحیتی برای انجام آن نخواهد داشت. در اینجا، استدلال آن است که بر اساس «قاعده عدم صلاحیت» که از نتایج حاکمیت قانون در حقوق حاکم بر دولت است، در مواردی که حقی اعلام شده، ولی تکلیف ناظر بر نقض آن به روشنی شامل جبران خسارت نباشد، به این معنی است که پاسداشت حاکمیت یا اقتدار دولت با عدم تعریف صلاحیت، تکلیفی به ایجاد مسئولیت مدنی در خصوص حق مورد تعدی ملازمه دارد. البته نبود این نوع صلاحیت تکلیفی به معنای نبود هرگونه روش جبرانی نیست، بلکه عقیده بر آن است که جنس این الزام شامل مسئولیت مدنی نخواهد بود (بادینی، ۱۳۸۴: ۱۱-۵۱) و اگر بنا باشد تا این نوع مسئولیت مطرح گردد، ظاهراً باید از مسئولیت شخصی مقام عمومی مرتکب، سخن به میان آورد (زرگوش، ۱۴۰۰: ۳۳۶-۳۳۷).

۲.۳. مسئولیت مدنی به مثابه نظامی تنبیهی

رویکرد تکلیف‌بنیان، بر نگرش‌هایی بنیاد یافته است که هارلو از آنها با عنوان «تئوری‌های تنبیهی-مسئولیت»^۱ یاد می‌کند (Carol Harlow, 1995: 151). در این بینش، به مسئولیت مدنی به‌عنوان یک «ضمانت اجرا» نگاه می‌شود که در صدد تنبیه شخصی (دولت) است که در انجام اعمال خود مرتکب اشتباه شده است؛ بنابراین، اگر چنین خطایی در میان نباشد، تنبیهی هم در کار نخواهد بود. حتی اگر در این میان در عمل حق یک شخص پایمال گردد. این رویکرد بیشتر از جانب کسانی مورد حمایت قرار گرفته است که «بازدارندگی» را هدف محوری مسئولیت مدنی دولت می‌دانند (Carol Harlow, 1995: 151). در میان حقوق‌دانان امریکایی، پیتر شاک، حداقل در باب مسئولیت مدنی دولت - و نه الزاماً مأموران دولت در مقابل اشخاص - از این رویکرد جانب‌داری کرده است. وی مسئولیت مدنی را به‌عنوان ضمانت اجرای خطاهای اداری و اجرایی می‌داند (Peter Schuck, 1983: 43-44, 51-53). از نظر او، مسئولیت مدنی دولت برای تضمین قانونی عمل کردن اداره و همچنین ابزاری برای جلوگیری از وقوع خطاست. این باور از سوی برخی دیگر از حقوق‌دانان که مسئولیت مدنی را به‌مثابه «آموزمان»^۲، یعنی یک نظام نظارتی توصیف کرده‌اند (A M, 1973: 155) نیز مورد حمایت قرار گرفته است. در واقع، این باور به این معناست که مسئولیت مدنی ابزاری برای اصلاح نارسایی‌های اداری است و لذا در نبود نقص مسئولیتی هم در میان نخواهد بود؛ حتی اگر حق اعلام‌شده‌ای عملاً نقض گردد (زرگوش، ۱۴۰۰: ۳۳۷).

در نظام حقوقی ایران مسئولیت مدنی دولت به‌عنوان یک نظریه منسجم و قابل اتکا از زمان تصویب قانون مسئولیت مدنی در سال ۱۳۳۹ مطرح گردید. در این قانون (ماده ۱۱) نیز اولاً تحقق مسئولیت

1. Punitive Theories of Liability

مدنی، ناشی از خطا و تقصیر است؛ یعنی امکان نقض شدن یک حق بدون پرداخت غرامت وجود دارد. به علاوه، اگر زیان وارده ناشی از عمل حاکمیت باشد، دولت الزامی به پرداخت غرامت ندارد.^۱ در اینجا نیز حق شخص، نادیده یا نقض می‌شود، ولی تکلیف دولت پرداخت غرامت نیست. همچنین از یاد نبریم تا پیش از این قانون، قانون اساسی مشروطه که به بازگو نمودن قسمتی از حقوق شهروندان ایرانی می‌پرداخت، علی‌رغم آنکه در سال ۱۲۸۵ به تصویب رسید (جعفر بوشهری، ۱۳۵۴: ۱۳۱)، ولی با توجه به متون تاریخی موجود، مستند محکوم ساختن دولت به پرداخت غرامت نبوده است. تا آن اندازه که به مسئولیت مدنی دولت مربوط است، قانون اساسی بعد از انقلاب ۱۳۵۷ و فصل سوم آن نیز وضعیتی متفاوت‌تر ندارد.

به‌طور مشخص، در بسیاری از مواردی که عمل دولت به نقض حق بنیادین مالکیت اشخاص منجر شده، پرداخت غرامتی در میان نبوده است؛ چراکه قانونی که تکلیف دولت به پرداخت غرامت در چنین مواردی را مورد حکم قرار داده باشد وجود نداشته است.^۲ تکلیف‌گرا بودن قاعده شناسایی در ایران را می‌توان در همه مواردی که حوزه مصونیت دولت است در وجه اعلائی خود مشاهده کرد. در واقع، مصونیت دقیقاً به این معناست که حق اعلام‌شده شخص نادیده انگاشته می‌شود، ولی چون تکلیفی در پرداخت غرامت زیان‌دیده مورد تصریح قانون‌گذار نبوده است غرامتی پرداخت نمی‌گردد (زرگوش، ۱۴۰۰: ۳۴۳).

در ایالات متحده با آنکه تصویب قانون اساسی مربوط به سال ۸۸ - ۱۷۸۷ بوده و علی‌رغم اینکه اصول ۱ تا ۶ این قانون کاملاً به حقوق شهروندان امریکایی می‌پرداخت (David, 1991: 14-15)، ولی مسئولیت مدنی دولت با قانون دعاوی مسئولیت مدنی فدرال در سال ۱۹۴۶ موضوعیت یافت و هنوز هم «دکترین مصونیت» بنیادی‌ترین اصل در ترسیم ویژگی مسئولیت مدنی دولت است (George A. Berman, 1977: 1176). این دکترین و معنا یافتن قانون دعاوی فدرال در پرتو آن، به روشنی به این معنی است که صرف نقض حق شهروند - با فرض آنکه عمل منجر به زیان در گستره مصونیت مطلق دولت نباشد - تا زمانی که ناشی از نقض تکلیف نباشد، مسئولیتی در پی نخواهد داشت (Erwin Chemerinsky, 2001: 1202). همچنین در ایالات متحده امریکا بر اساس قانون دعاوی مسئولیت مدنی فدرال، اعمال صلاحیت‌های تشخیصی در گستره مصونیت‌های دولت قرار می‌گیرد (Harry Street, 1990: 353). به عبارت ساده‌تر، اگر زیان وارده در نتیجه اعمال صلاحیت‌های تشخیصی مقام

۱. ذیل ماده ۱۱

۲. نمونه روشن مسئله، کاهش شدید و غیرعادی ارزش ثروت افراد در نتیجه سیاست‌های مالی و غیرمالی دولت در دولت‌های مختلف است که در واقع، زیان وارد بر افراد به‌طور دقیق مترادف با نقض حقوق مالکیت مندرج در اصول بیست و دوم، چهل و ششم، و چهل و هفتم قانون اساسی است.

عمومی باشد، پرداخت گرامتی درمیان نخواهد بود. از سوی دیگر با تشخیصی بودن اصل صلاحیت، دیگر تکلیفی وجود نخواهد داشت که نقض آن به عنوان علت مسئولیت قابل طرح باشد. برخی معتقدند، قاعده حاکم بر مسئولیت مدنی دولت در این کشور - البته در سطح فدرال - آن است که دولت تا زمانی که به موجب قوانین ملزم نشده باشد، نباید هیچ مبلغی را به عنوان غرامت زیان دیده پرداخت نماید (زرگوش، ۱۴۰۰: ۳۴۲-۳۴۳).

۴. جبران خسارت قربانیان

در خصوص موضوع مسئولیت مدنی دولت در قبال بیماری‌های واگیردار، ضروری است که این موضوع را در دو فرض مورد بررسی قرار دهیم؛ فرض اول، مربوط به آن گروه از بیماری‌های واگیردار است که احتمال شایع شدن آنها قابل پیش‌بینی نباشد^۱. مشخص است که بیماری‌هایی مثل آنفولانزا، طاعون و یا سایر بیماری‌های واگیردار مانند کرونا با یک مرتبه اتفاق در تاریخ معاصر در سال‌های بعد از آن قابلیت پیش‌بینی دارند و دولت نمی‌تواند به این بهانه که از زمان دقیق شیوع بیماری اطلاع نداشته است اقدامات پیشگیرانه در این حوزه را انجام ندهد؛ چراکه هدف از مسئول دانستن دولت در قبال بیماری‌های واگیردار، برای رسیدن به پایداری و ثبات در پیشگیری از این دست بیماری‌هاست و اگرچه اقدام دولت در اطلاع‌رسانی به جامعه و وضع یک سری محدودیت‌ها مثل قرنطینه در شمول آن قرار می‌گیرد، این را باید گفت که این نوع راهکار یک راهکار کوتاه‌مدت است و دولت درمان از طریق وزارتخانه‌های تحت اختیار خود از جمله وزارت بهداشت و درمان وظیفه دارد که اقدام به علت‌یابی کند و ریشه بیماری‌های واگیردار را تا آنجا که امکان دارد از طریق تحقیقات پژوهشی وسیع و یا واکسیناسیون عمومی و... از بین ببرد. ملاک پیش‌بینی‌پذیری حوادث یا قابل پیش‌بینی نبودن آن حوادث یک معیار جهانی است (Qureshi, Ahmer A, 2020: 12).

بنابراین، دولت‌ها موظف به تهیه وسایل پیشرفته برای پیش‌بینی بیماری‌های واگیردار و پیشگیری از آنها هستند و نمی‌توانند به این بهانه که امکانات لازم را در اختیار نداشته‌اند، خود را از مسئولیت مبرا سازند. فرض دوم، آن است که بیماری واگیردار قابل پیش‌بینی باشد. در این مورد، اگر ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی ایران ملاک قرار گیرد، می‌توان قائل به تفکیک میان ورود خسارت در اثر اهمال کارمندان، نقص وسایل و امکانات دولتی یا تقصیر کلی دولت مطلع از سابقه حادثه و عدم اقدام به جلوگیری از آن، بدون اینکه به عضو خاصی از اعضای دولت منتسب باشد، شد. با این حال، ضرورت جبران تمام خسارات در

۱. اصطلاح غیرقابل پیش‌بینی از مفهوم بسیار مبهمی برخوردار است و صرفاً منحصر به مواردی است که بیماری سابقه نداشته و از سوی دیگر اتفاق محض غیرتکراری باشد.

فرض مبتلا شدن به بیماری، اقتضا دارد که زیان دیده با عده‌ای ناشناس که حتی در فرض شناسایی، توان جبران فوری یا کلی خسارات وی را ندارند، روبرو نشود و با دولتی طرف باشد که توان جبران سریع و کامل بخشی از زیان‌های وی (ضررهای قابل جبران) را داشته باشد. البته دولت می‌تواند به کارمندان یا سایر وابستگان دولت که بروز خسارت به‌نوعی منتسب به ایشان است، مراجعه نماید.

در کشور امریکا با اینکه ماده ۴۰۲ پیش‌نویس بیانیه دوم بر تولیدکنندگان مواد دارویی مسئولیتی محض تحمیل نموده و به‌کار گرفتن بالاترین سطح در علم را برای تولیدات ضروری می‌داند، لیکن نسبت به ضررهایی که این نوع واکسن‌ها ممکن است به اشخاص وارد آورد، ایالت‌های این کشور موضع یکسانی را اتخاذ نکرده‌اند. اکثر ایالت‌های امریکا دفاع خطر توسعه را پذیرفته‌اند. در واقع، چنانچه خسارات ناشی از مصرف بعدها کشف شود، به دلیل عدم کشف این ضررها در لحظه توزیع، تولیدکننده و توزیع‌کننده از مسئولیت معاف خواهند بود. لذا به‌نظر می‌رسد نیاز به وجود قواعدی منسجم و هماهنگ در خصوص ایمنی و جبران خسارت ناشی از مصرف واکسن در سطح بین‌المللی احساس می‌شود.

وضعیتی که می‌توان بر اساس آن دولت‌ها یا متعاقب آن سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی را مشمول مسئولیت دانست، رفتارهای خطرناک است. در این معنا که دولت‌ها یا سازمان‌های دولتی و وزارتخانه‌ها رفتاری را انجام دهند که در حالت عادی نقض قوانین بین‌المللی است و صرف انجام رفتاری برخلاف قوانین، مسئولیت دولت‌های وزارتخانه‌های دولتی را دربر دارد و در این حالت احراز تقصیر و منتسب کردن آن به دولت و وزارتخانه‌های دولتی نیاز نیست؛ اما این نوع دودستگی در برخورد سبب شد که نه تنها دولت‌ها در قبال ضرر ناشی از اجرا نکردن مقررات بین‌المللی مسئول باشند، بلکه در قبال رفتار افراد در دولت هم مسئول شمرده شوند و در همین طرح که به نام مسئولیت کشور در قبال اعمال متخلفان بین‌المللی مورد شناسایی واقع شده، در جبران خسارت کشوری که دارای مسئولیت است، متعهد می‌شود که در مقابل زیان ایجادشده خسارت را به‌صورت کامل بپردازد (بیجانی و امینی‌نیا، ۱۴۰۰: ۳۳-۳۴).

در حال حاضر برخی از پروتکل‌ها، دستورالعمل‌ها و گایدلاین‌های^۱ تهیه‌شده در سطوح مختلف کشور (ایران) به‌منظور کنترل بیماری در حال اجراست. لیکن با توجه به اینکه گروه‌های در معرض خطر مانند مادران باردار، افراد با بیماری‌های زمینه‌ای و سالمندان بیشتر در معرض ابتلا هستند، دولت در راستای سیاست‌های کلان، تصمیم به غربالگری کلیه افراد و خانواده‌های آنان با شرایط پیش‌گفته نموده است. خوشبختانه پس از طرح تحول نظام سلامت کشور، اطلاعات خانوارها و پرونده بهداشتی آنان به‌صورت الکترونیکی در سامانه سلامت ایرانیان ثبت گردید. در این شرایط بحرانی استفاده از این فرصت منجر گردید تا با در دست داشتن کلیه اطلاعات افرادی که در سامانه ثبت شده‌اند بتوان افراد پرخطر را شناسایی و

۱. در معنای خط مشی، معیار عمل، رهنمود، رهبر، دستورالعمل و مهار.

پیگیری نمود و مشکلات آنان را در سامانه ثبت کرد و در صورت وجود علائم کرونا فراخوان و مراقبت‌های لازم برای آنان انجام گیرد. همچنین یکی دیگر از اقدامات انجام شده، تهیه فرم غربالگری در قالب نرم‌افزار بوده که در دسترس کلیه افراد قرار گرفته است و آنها در هر زمان با داشتن علائم مشکوک به کرونا می‌توانند وارد سایت مربوطه شده، پرسش‌نامه را تکمیل نمایند (مالمیر و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۳-۱۵).

باید گفت مسئولیت پرداخت خسارت ناشی از مسئولیت غیرقراردادی بیش از هر چیز در دوران زندگی اقتصادی انسان‌ها و همین‌طور اشخاص حقوقی و شرکت‌ها مؤثر است. عواقب مسئولیت مدنی به مراتب بیش از نقض قراردادهاست (داراب‌پور و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۵). مسئولیت‌های مدنی داخلی و بین‌المللی اصولاً موضوعات قابل اغمازی در تجارت بین‌الملل نیستند. بر اساس اصل کلی، مسئولیت غیرقراردادی ناشی از خسارت‌های کرونایی برعهده شخصی است که آن را به‌وجود آورده یا در صدد توسعه و گسترش آن برای مقاصد متنوع است و یا با آنها با وجود توانایی دفع، مقابله نمی‌کند. زیست‌شناسان و ویروس‌شناسان دانشگاه شهید بهشتی احتمال اینکه بشر این جهش ژنتیکی را به‌وجود آورده باشد، بسیار ضعیف می‌دانند؛ اما حقوق دانان حتی اگر از نظر علمی^۱ دخالت انسان و مسئولیت وی را در ایجاد کرونا منتفی بدانند، سوءاستفاده و جهت‌دهی ضررهای این ویروس و حتی عدم مداخله برای مقابله با این ویروس را مسئولیت‌آور می‌دانند.

از نظر ثبوتی، دخالت در ایجاد کرونا به علت وجود ارکان مسئولیت مدنی به‌طور قطع ضمان‌آور است. تنها مشکل موجود در این راستا این است که حتی اگر در عالم ثبوت چنین ایجاد صوری گرفته باشد، موفقیت در محضر دادگاه و عالم اثبات، چندان آسان نیست. ادله اثبات دعوا کار مدعی را بسیار سخت می‌کند. به‌سختی می‌توان اقامه دلیل کرد که نیروهای امریکایی یا چینی دست به تغییر وضع ویروس زده باشند و حتی در صورت یقین مردم به اقدام آنها هم نمی‌توان این ادعا را ثابت کرد. به فرض اثبات آنچه در عالم ثبوت است، محاکمه عامل یا عاملان و اخذ خسارت در جامعه بین‌المللی، اگر ناممکن نباشد، کار ساده‌ای نیست. در سطح بین‌المللی، نه دادگاهی در این خصوص وجود دارد و نه اگر وجود داشت، می‌توانست بدون رضایت دولت مقابل - مگر در مواردی که قبلاً صلاحیت دیوان بین‌المللی دادگستری پذیرفته شده باشد - به محاکمه متخلف و اجبار وی به جبران خسارت پردازد (داراب‌پور و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۳۶). حتی اگر هیچ‌کدام از این موانع هم وجود نداشت و متخلف نیز شناخته و محکوم می‌شد، باز جبران خسارت به علت حجم بسیار وسیع آن ممکن نبود و باید در راستای حل مشکل عدم امکان جبران خسارت از سوی عامل زیان، اندیشه‌های نو ارائه می‌شد (داراب‌پور و داراب‌پور، ۱۳۹۴: ۱۱۴).

۱. مسئله‌ای علمی به‌شمار می‌آید که قابلیت نفی و اثبات داشته باشد. باورهای عقیده‌مداران هرگز در حوزه علم قرار نمی‌گیرد و اطلاق واژه علمی به حوزه‌های آنان از باب پوشیدن لباس حقیقت به شخصی است که این صلاحیت را ندارد.

۱.۴. تردید در حالت مرور زمان برای جبران خسارت

قاعده مرور زمان^۱ بیانگر مدت زمانی است که یک سند توان دادخواهی داشته باشد و با گذشت زمان تعیین شده، توان دادخواهان از بین خواهد رفت. این قانون در امریکا حاکی از مدت زمان یک تا دو سال برای ایالات مختلف کشور است و در ایران به مدت دو سال تأکید دارد. به این ترتیب، عمر پرونده پزشکی در ایران دو سال است مگر در موارد استثنا که تابع الزامات قانونی می‌باشد. لازم به توضیح است که عمر پرونده پزشکی یا اطلاعات مراقبت بهداشتی از تاریخ آخرین مراجعه بیمار محاسبه می‌شود و اگر قبل از اتمام مدت تعیین شده، بیمار برای اطلاعات مجدد به سازمان مراقبت بهداشتی مراجعه کند، آنگاه شمارشگر ارقام به صفر تبدیل می‌گردد و عمر پرونده بیمار از نو آغاز می‌شود.

در بعضی از ایالت‌های امریکا مراکز درمانی و بیمارستانی تکلیف دارند که سابقه بیماری افراد را نگهداری کنند؛ برای نمونه در ایالت‌های کنتیکت و نیوجرسی بیمارستان‌ها و مراکز درمانی مکلف‌اند که به مدت ۲۵ سال سابقه بیماری مراجعه‌کنندگان خود را نگه دارند. این خلاصه سابقه که دربرگیرنده نسخه‌های ثبت شده اصل و مهم‌ترین رخدادها در مراکز درمانی‌ای بوده که بیمار تحت درمان قرار گرفته، ضروری است تا مدت ۱۰ سال نگهداری شود. همچنین بیمارستان‌ها تأکید دارند که سابقه بیماران را ثبت کنند و در صورتی که پیشینه درمان بیماران در مراکز پزشکی ثبت نشود، از موجبات مسئولیت آنها محسوب می‌شود و شخص زیان دیده یا خواهان می‌تواند با استناد به کوتاهی کارمندان مراکز درمانی علیه آنها طرح دعوا کند (مؤذنی، ۱۳۹۹: ۴۰۴-۴۰۵). طبق قانون و بخشنامه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران، مدت زمان نگهداری پرونده‌ها به شرح زیر است:

- بیماران اورژانس و سرپایی، ۵ سال
- بیماران عادی، ۱۰ سال
- بیماران اعصاب و روان، ۱۵ سال
- بیماران تصادفی، ۱۵ سال

کودکان زیر ۱۸ سال، پس از رسیدن به سن بلوغ، مدت زمان نگهداری پیش گفته جهت پرونده آنها اعمال خواهد شد.

۲.۴. جبران خسارت جمعی

در حقوق امریکا بر اثر گسترش و نفوذ تحلیل اقتصادی حقوق، به مسئولیت مدنی تنها به‌عنوان نظامی برای جبران خسارت زیان دیدگان نگریسته نمی‌شود، بلکه این شاخه از حقوق خصوصی در درجه اول

1. limitation of statue

سازوکاری برای تنظیم رفتار تابعان حقوق است. در برخی منابع حقوق امریکا، به خواهان در دعوای مسئولیت مدنی «دادستان خصوصی» گفته شده که کنایه از آن است که هرچند انگیزه اصلی خواهان از طرح دعوای مسئولیت مدنی گرفتن خسارت به نفع خویش است، اما هر حکمی که در دعوای مسئولیت مدنی صادر می‌شود، بازتاب اجتماعی هم دارد و عاملی برای تنظیم رفتار بنگاه‌های اقتصادی و واردکنندگان زیان بالقوه و حتی تنظیم قیمت‌ها و بالا بردن کیفیت کالاها است. صدور احکام جبران خسارت علیه تولیدکنندگان کالای معیوب آنان را وامی‌دارد تا در زمینه سلامت و ایمنی محصولات خود بیشتر سرمایه‌گذاری کنند و یا مکلف کردن تولیدکنندگان سیگار به جبران خسارت مصرف‌کنندگان سیگار که دچار سرطان ریه شده‌اند سبب می‌شود تا خسارات ناشی از این فرآورده خطرناک جزء هزینه‌های تولید محاسبه شود و قیمت سیگار پایین نیاید و کنترل گردد. در ایالات متحده امریکا از دیرباز دادگاه‌ها در مواردی با هدف پیشگیری و تنظیم رفتار افراد این نوع خسارات را مورد حکم قرار می‌دهند.^۱

از طرف دیگر، برای جلوگیری از تحقق خطر و توقف فعل زیان‌بار، بدون نیاز به درخواست جبران خسارت می‌توان از دادگاه تقاضای «دستور منع» کرد، از این رو از لحاظ فنی و دادرسی نیز مسئولیت مدنی در تکلیف به جبران خسارت خلاصه نمی‌شود (بادینی و تخشید، ۱۳۹۸: ۲۳۱-۲۳۲).

در حقوق ایران به مسئولیت مدنی تنها به‌عنوان ماشینی ناقص برای جبران خسارت نگاه می‌شود و کارکرد پیشگیرانه آن مغفول مانده است. توجه به پیشگیری در سطح کلان و کاهش هزینه‌های نظام مسئولیت مدنی می‌تواند افزایش خسارات قابل پرداخت به زیان‌دیدگان را هم به‌همراه داشته باشد. برای مثال، در حال حاضر به‌نظر می‌رسد قیمت دیه که هر سال از سوی قوه قضاییه اعلام می‌شود، بسیار کمتر از قیمت واقعی دیه در شرع است (بادینی و تخشید، ۱۳۹۸: ۲۳۲).^۲ در شرایطی که به کل جمعیت خسارت وارد شده باشد، جبران خسارت فردی ناکافی است. نباید فراموش نمود که طرح مسئولیت دولت به نظر برخی، تابع قواعدی است که متفاوت با حقوق خصوصی است (Malinvaud, Philippe, 2005: 375). پاسخ باید جمعی و بر اساس همبستگی و تعاون ملی باشد. در فقه نیز مسئولیت بیت‌المال یا دولت مبتنی بر نوعی تعاون اجتماعی (کاشانی ابوکریبان، ۱۴۰۹: ۲۵۶) یا مبتنی بر نوعی مؤسسات و یاری

۱. اما در سال‌های اخیر در حقوق امریکا در خصوص این‌گونه خسارات انتقادهایی به‌عمل آمده است. منتقدان معتقدند که مبالغی که بابت خسارات تنبیهی رأی داده می‌شود، گزاف، دل‌بخوایی و بدون مبناست و نه تنها اهداف تعیین‌شده برای آن را برآورده نمی‌سازد و در مواردی ممکن است محدودیت‌هایی برای انجام فعالیت‌های مفید ایجاد کند، زیان‌دیده نیز ممکن است استحقاق گرفتن آن را نداشته باشد و به دارا شدن بدون جهت او منجر شود. این انتقادهای مکرر داده و سبب شده است که در حقوق بسیاری از ایالات برای خسارات تنبیهی سقف تعیین شود.

۲. قیمت دیه کامل بر اساس اقلامی مانند گاو و گوسفند بیش از دو میلیارد تومان است. تعیین دیه کامل بر اساس قیمت ۱۰۰ رأس شتر کمتر از قیمت واقعی شتر در بازار است.

رساندن به اشخاص نیازمند چنین حمایت‌هایی است (جصاص، ۱۴۱۵: ۲۸۱) تا از تزییع حق زیان‌دیده جلوگیری شود (کلینی، ۱۳۷۶: ۳۵۶)، زیرا خون و مال حرمت دارد (مغربی نعمان، ۱۳۸۳: ۱۲۲)؛ بنابراین، مسئولیت دولت از باب همبستگی اجتماعی و عدالت توزیعی نیز قابل بررسی است (بادینی، ۱۳۸۴: ۵۲۹). امروزه با افول خورشید مسئولیت‌های فردی (7: Delebecque, 2008)، خسارت‌های جمعی مانند خسارات ناشی از بیماری کووید-۱۹ در حال شیوع است (1: Likillimba, 2009) و دولت‌های مدرن نمی‌توانند نسبت به خسارات جمعی بی‌تفاوت باشند (2211: Pignerol. Bernard, 2005). به این ترتیب، با یک نگاه سنتی در حقوق مسئولیت مدنی نمی‌توان به‌آسانی برای دولت مسئولیت مدنی قائل شد، اما می‌توان بدون توجه به مبانی سنتی مانند تقصیر یا خطر، تعهد دولت را به‌عنوان تضمینی در پرداخت خسارات برای زیان‌دیدگان ناشی از کرونا مطرح کرد. طبق عقاید دکترینی تحت تأثیر ایده جمعی کردن خطر، دولت در مورد کوتاهی در پیشگیری از برخی از بلایا و فجایع زیان‌بار مسئول است (یزدانیان، ۱۴۰۱: ۱۵۵-۱۵۶).

در مواردی که دولت تدابیر لازم و کافی در جلوگیری از وقوع یا شیوع خطری اتخاذ نکرده است، چرا در مسئولیت وی باید تردید نمود؟ (2211: Pignerol, 2005). به‌عنوان یک پیشنهاد می‌توان مانند نظام حقوقی امریکا صندوق‌هایی برای این گونه حوادث طراحی کرد (4: Rajot, 2009) تا هر زمانی که زیان‌دیدگان ناشی از یک فاجعه زیان‌بار از راه‌های عادی نتوانند به جبران خسارت کافی و مؤثر دست یابند، خسارت آنها از طریق این صندوق‌ها جبران شود (4: Groutel, 2009). این جبران نشان‌دهنده نوعی یارانه در راستای تکلیف در خصوص تعاون و همیاری اجتماعی است (Renoux, 1992). (20 سال‌ها قبل، مسئولیت مدنی تحت عنوان «حقوق بلایا و حوادث»^۱ شکل گرفته بود که این ایده به مرور از بطن مسئولیت مدنی جدا و به صورت مستقل مطرح شد، و با همه‌گیری ویروس کرونا ضرورت آن بیش از پیش نمایان شد (91: Lienhard, 1995)؛ بنابراین «اجتماعی کردن جبران خسارت»^۲ که تا دیروز فقط ایده بود، امروزه یک ضرورت است (یزدانیان، ۱۴۰۱: ۱۵۶-۱۵۷).

در حقوق امریکا بیمه اختیاری مسئولیت گسترش پیدا کرده و أخذ پوشش بیمه‌ای با محوریت «بیمه شخص اول» به شکل فرهنگ درآمده است. با این همه، توجه به میزان هزینه‌های نحوه اداره نظام مسئولیت مدنی همواره مورد توجه قرار می‌گیرد. شکل‌گیری بیمه بدون تقصیر اتومبیل^۳ نتیجه دهه‌ها بحث در خصوص ناکارآمدی نظام مسئولیت مدنی برای جبران خسارت زیان‌دیدگان است، اما اخیراً خود این نظام به سبب افزایش هزینه‌ها از سوی تعدادی از بیمه‌گران و تشکل‌های حمایت از حقوق

1. Droit des catastrophes

2. Socialisation de l'indemnisation

3. No-Fault Automobile Insurance

مصرف کنندگان مورد انتقاد قرار گرفته است. در حقوق ایران، تابعان حقوق تمایل چندانی به اخذ پوشش بیمه اختیاری مسئولیت ندارند. شاید یکی از دلایل این باشد که برخلاف حقوق امریکا، مسئولیت مدنی شدت و قطعیت لازم را ندارد تا این انگیزه را برای اشخاص فراهم کند که بر اساس عقلانیت فردی، خود را تحت پوشش بیمه اختیاری مسئولیت قرار دهند. حتی در مواردی که قوانین بیمه اجباری پیش‌بینی شده است، بسیاری از اشخاص مشمول قانون به تکلیف خود عمل نکرده، پوشش بیمه‌ای اخذ نمی‌کنند. برای مثال، ۹۰ درصد موتورسواران که عامل ۳۰ درصد تصادفات هستند، فاقد پوشش بیمه شخص ثالث‌اند (بادینی و تخشید، ۱۳۹۸: ۲۳۵).

۳.۴. پرداخت غرامت ناشی از تزریق واکسن

در ایران، نظامی اختصاصی برای پرداخت غرامت حاصل از تزریق واکسن و کلاً اعمال صلاحیت‌های مرتبط با مسئله بهداشت عمومی از جمله بیماری‌های واگیردار وجود ندارد، اما قوانین چندی وجود دارد که بر چنین دعوایی حاکم خواهد بود. مبنای ارتباط موضوعی این قوانین با دعوی، مربوط به علت ورود زیان است و با محوریت قرار دادن مسئولیت مدنی دولت؛ یعنی حالتی که تنها مسئولیت مدنی دولت - و نه کارگزاران آن و یا اشخاص ثالث - موضوعیت دارد، در مجموع می‌توان سه فرض را متصور شد:

الف) فرض معیوب یا بی کیفیت بودن واکسن. اگر چنانچه آسیب وارد شده مربوط به «عیب یا عدم کیفیت واکسن» باشد،^۱ قاعده حاکم بر دعوی، «قانون حمایت از حقوق مصرف‌کننده» است که بر اثبات تخلف (تقصیر) مبتنی بوده و این یعنی برخلاف عنوان قانون، صرف وجود عیب در کالا (واکسن) برای الزام عرضه‌کننده یا عرضه‌کنندگان به پرداخت غرامت کافی نیست. برای مثال، اگر آسیب وارده ناشی از خصوصیتی باشد که بتوان آن را فرمول یا ترکیب نادرست واکسن توصیف کرد، می‌توان با استناد به قانون یادشده، غرامت چنین زیانی را دریافت نمود. این قانون اگرچه دارای ابهاماتی از حیث شمول واکسن‌ها است، ولی در اینکه هدف نهایی قانون، تحت پوشش درآوردن کلیه زیان‌های ناشی از مصرف

۱. مطابق تبصره ماده ۲ قانون، چنانچه خسارات وارده ناشی از عیب یا عدم کیفیت باشد و عرضه‌کنندگان به آن آگاهی داشته باشند علاوه بر جبران خسارت به مجازات مقرر در این قانون محکوم خواهند شد. چنانچه اقدام آنان واجد عناوین

مجرمانه دیگر باشد مشمول همان قانون خواهند بود

۲. از حیث نحوه عبارت‌پردازی‌ها، این قانون در مواردی به گونه‌ای نگاشته شده است که ظاهراً شامل اقلام دارویی نمی‌شود.

کالاها و از جمله اقلام دارویی است، ابهامی وجود ندارد^۱. به این ترتیب در فرضی که زیان ناشی از واکنشی باشد که از نظر حقوقی، معیوب یا بی کیفیت توصیف گردد، طبق ماده ۱۶ قانون یادشده، شرکت سازنده یا واردکننده و یا شخص فروشنده، مسئولیت پرداخت غرامت زیان وارده را خواهد داشت: «مسئولیت جبران خسارات وارده به مصرف کننده با تشخیص مرجع رسیدگی کننده به عهده شخص حقیقی یا حقوقی اعم از خصوصی و دولتی می باشد که موجب ورود خسارت و اضرار به مصرف کننده شده است. در مورد شرکت‌های خارجی علاوه بر شرکت مادر، شعبه یا نمایندگی آن در ایران مسئول خواهد بود. تبصره - در کلیه مواردی که تخلف از ناحیه اشخاص حقوقی باشد خسارت باید از اموال شخص حقوقی پرداخت شود ولی مسئولیت جزایی متوجه مدیر عامل و یا مدیر مسئول شخص حقوقی است».

ب) فرض مشکلات و نقایص پیرامونی کیفیت واکنش. در مواردی ممکن است عوارض ایجادشده از تزریق واکنش، ناشی از کیفیت و عیب واکنش تولیدی یا وارداتی نباشد، بلکه به دلیل شرایط پیرامونی از جمله محل نگهداری یا نحوه جابه جایی یا حمل و نقل آن و یا حتی تزریق واکنش پس از انقضای تاریخ تولید باشد. در چنین مواردی، اگر روشن شود که شرایط یادشده، مترادف با «نقص کمی یا کیفی وسایل و امکاناتی» است که دستگاه ذی ربط (اصولاً، وزارت بهداشت) در اختیار دارد، بر اساس ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی (نقص وسایل)، الزام دستگاه ذی ربط به پرداخت غرامت را به دنبال خواهد داشت. همین وضعیت در فرضی که نتوان خطای منجر به زیان را به کارگزار یا کارگزاران خاصی (برای مثال، پزشک یا پرستار) نسبت داد (خطای ناشناخته) نیز جاری است. همچنین در فرضی که زیان وارده ناشی از خطای شخصی کارگزاری باشد که عنوان کارگر دارد؛ یعنی رابطه کارگزار مرتکب خطا با دولت تابع قانون کار باشد، مطابق ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی^۲، پرداخت چنین غرامتی، نخست بر عهده دولت خواهد بود.

ج) فرض واکنش طبیعی بدن. همان طور که گفته شد در بیشتر موارد، آسیب ناشی از تزریق واکنش، مربوط به عیب واکنش و یا تقصیر دستگاه ذی ربط و یا خطای شخصی کارگزاران نیست، بلکه

۱. از جمله تبصره ۴ از ماده ۳ قانون می گوید، وزارت بازرگانی موظف است فهرست مربوط به اقلام دارویی و تجهیزات پزشکی واحدهای خدمات پزشکی، اعم از تشخیصی و درمانی را با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه و اعلام نماید.

۲. کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند، مسئول جبران خساراتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است، مگر اینکه محرز شود تمام احتیاطهایی که اوضاع و احوال قضیه ایجاب می نموده به عمل آورده و یا اینکه اگر احتیاطهای مزبور را به عمل می آوردند باز هم جلوگیری از ورود زیان مقدور نمی بود. کارفرما می تواند به واردکننده خسارت در صورتی که مطابق قانون مسئول شناخته شود مراجعه نماید.

مربوط به واکنش‌های طبیعی دریافت‌کننده است که در درصد بسیار محدودی از افراد دریافت‌کننده اتفاق می‌افتد و ظاهراً امکان اجتناب از آن وجود ندارد. در این فرض، جز حالت‌های بسیار نادری که بتواند مشمول عنوان «بحران» در قانون مدیریت بحران گردد، قانون اساسی تنها منبعی است که به‌وسیله هیئت عمومی دیوان عدالت اداری یا دیوان عالی کشور در قالب آرای وحدت رویه و بر مبنای توسعه دامنه مفهومی نظم موجود (اساسی‌سازی جبران‌های پولی عمومی)، ظرفیت پرداخت‌پذیر ساختن چنین زبانی را دارد. به‌طور مشخص‌تر، در چنین مواردی بر اساس بند پایانی اصل سوم قانون اساسی که تأمین قسط و عدل و «همبستگی ملی» (همبستگی اجتماعی) را مبنای حکمرانی در ایران می‌داند و بند ۹ از اصل سوم قانون اساسی که «رفع تبعیض ناروا» (اصل برابری افراد در مقابل هزینه‌های عمومی) را از جهت‌گیری‌های اصلی حکمرانی دانسته است، پرداخت غرامت چنین زیان کاملاً خاصی می‌تواند مورد حکم قرار گیرد^۱ (زرگوش، ۱۴۰۰: ۷۲۷-۷۲۸).

در امریکا، پذیرش مسئولیت دولت در پرداخت غرامت ناشی از تزریق واکسن، در سال ۱۹۸۶ و به‌عنوان بخشی از مفاد قانونی با عنوان «برنامه ملی واکسیناسیون کودکان» صورت گرفت (Graham, 1998: 452). این برنامه متضمن برقراری یک نظام پرداخت غرامت برای تزریق واکسن به کودکان بود. تا حدی که به این قانون مربوط می‌شود، اهم ضوابط آن از این قرار است: اول اینکه، شرط دریافت غرامت آن است که آسیب ایجادشده می‌بایست ناشی از یکی از واکسن‌هایی باشد که در این قانون فهرست شده است. دوم، آسیب واردشده و مورد ادعا باید داخل در گستره مواردی قرار بگیرد که در قانون مشخص شده است. سوم، آسیب وارده باید در ظرف زمانی تعریف‌شده در قانون به‌وقوع پیوسته باشد تا بتوان تحقق سببیت را مفروض دانست^۲ (زرگوش، ۱۴۰۰: ۷۲۵-۷۲۶).

۵. نتیجه‌گیری

از منظر ماهوی، مسئولیت مدنی در نظام حقوقی امریکا، به‌غیر از زیان دیده‌محور بودن، مبتنی بر سیاست پیشگیرانه و توزیع ضرر است و به این گرایش از حقوق با عنوان سیستمی جهت تنظیم رفتار می‌نگرند؛ لذا نظریات و قوانین و مقررات مسئولیت مدنی با برخی از مفاهیم و مبانی اقتصادی درهم آمیخته و به

۱. اصل بیست و نهم قانون اساسی از دیگر مواردی است که تضمین حمایت‌های لازم را از تکالیف دولت-حکومت دانسته است که به‌موجب آن برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر... از کارافتادگی... حوادث و سوانح، نیاز مالی فوق را برای یک‌یک افراد کشور تأمین کند. خدمات بهداشتی درمانی و مراقبت‌های پزشکی... حقی است همگانی.

۲. با این حال، رویه قضایی و عملی در برخورد با این موضوع برخورد مناسب و منعطفی نداشته و عمده دعوی مرتبط را رد کرده است.

همین دلیل جنبه بین رشته‌ای به خود گرفته است. مشخص است که سیستم مسئولیت مدنی در نظام حقوقی کشور آمریکا در گستره سیستم اقتصادی‌ای شکل گرفته که مبتنی بر بازار، سرمایه‌داری و مصرف‌گرایی حاکم بر این کشور است، به همین دلیل راه‌حل‌ها و قواعد و مقررات حقوقی این کشور صرفاً در صورت مهیا بودن شرایط مساوی در حقوق کشور ایران، قابل اعمال و تسری است؛ مسئله‌ای که نمی‌توان چندان به آن امید داشت.

در هریک از کشورهای ایران و آمریکا، وجود ضرر، تقصیر و احراز رابطه سببیت بین زیان وارده در استفاده از واکسن کووید ۱۹، از شرایط اساسی جبران خسارت دولت تلقی می‌شود و در صورت قصور دولت در مهیا کردن واکسن کووید ۱۹، ضروری است که تعهدات و الزام‌های قانونی برای آنها در نظر گرفته شود تا از پایداری شدن حقوق قربانیان این گونه بیماری‌ها جلوگیری به عمل آید؛ لذا در این خصوص، کشور آمریکا با قرار دادن صندوق جبران خسارت و بیمه مسئولیت مدنی تا حدودی در جبران خسارات احتمالی ناشی از تزریق واکسن تلاش کرده است.

با گسترش ویروس کرونا در جهان، ضروری است در دنیای کنونی حقوقی به جبران خسارت زیان‌دیدگان ناشی از این ویروس پرداخته شود. این طور به نظر می‌رسد که در این میان تنها سازمانی که قدرت و الزام به جبران خسارت دارد، دولت است. چنین مسئولیتی آن‌چنان هم عجیب به نظر نمی‌رسد؛ چراکه دولت‌ها در اکثر مشکلات ناشی از انتشار انواع ویروس‌های خطرناک، گاهی راهبردها و سیاست‌هایی را دنبال می‌کنند که جدای از ارزیابی ارزشی، امکان دارد که عده‌ای را متحمل ضرر و زیان کند. در همین راستا، اصل احتیاط مقتضی این است که دولت‌ها تمهیداتی را جهت پیشگیری و مبارزه با وقوع یا گسترش این بیماری (کووید) یا بیماری‌های مشابهی که ممکن است در آینده ظاهر شود، اتخاذ کنند. نظام حقوقی کشور ایالات متحده آمریکا با تشکیل برخی از صندوق‌ها اقدام به جبران خسارات زیان‌دیدگان در موارد مشابه می‌کند؛ موضوعی که در کشور ما چندان جایگاهی ندارد و لذا پیش‌بینی می‌شود نظام حقوقی ایران در این خصوص راهبرد و سیاست مشابهی پیش رو داشته باشد. در حقوق ایران نیز با تفسیرهای گسترده از مسئولیت بیت‌المال می‌توان این مسیر را هموار کرد.

افزایش کارایی پیشگیرانه نظام مسئولیت مدنی در حقوق ایران که در بازه زمانی طولانی مدت به کاهش خسارت و گسترش بیمه مسئولیت مدنی و حتی در نهایت منجر به اصل جبران کامل خسارت خواهد شد، یک امر ضروری است که برای تحقق این موضوع می‌توان از قواعد و مقررات نظام حقوقی آمریکا و حتی تجربیات این کشور پس از پالایش و بومی کردن مفاهیم و نظریه‌ها استفاده کرد. مطالعه دقیق نظام حقوقی کشور آمریکا نشان‌دهنده این موضوع است که اهداف بازدارندگی، پیشگیری و توزیع ضرر در طول هم قرار دارند؛ به این صورت که بازدارندگی و تنظیم رفتار تابعان حقوق، به کاهش حوادث و خسارت و گسترش پوشش بیمه مسئولیت مدنی منجر می‌شود که در نهایت سبب جبران خسارت

کامل تر و کارآمدتر زیان دیدگان خواهد شد. این نوع نگاه به اهداف اصلی و کلان نظام مسئولیت مدنی در حقوق ایران باعث ارتقای جایگاه و منزلت مسئولیت مدنی و خارج کردن این شاخه اصلی حقوق خصوصی از حاشیه می‌گردد.

با عنایت به مباحث مطروحه می‌توان گفت که اکثر کشورها چندان روی خوشی بر اساس قواعد مسئولیت مدنی به مسئله جبران خسارت ناشی از تزریق واکسن نشان نداده‌اند، عمده ایراد آنان رابطه سببیت بوده است که به سختی پذیرفته‌اند رابطه سببیت میان ورود ضرر و تزریق واکسن وجود دارد. راهکارهای وضع شده در حقوق کشورها برای جبران خسارت، عمدتاً جنبه اقتصادی دارد و در راستای جبران خسارت صندوق‌هایی برای این منظور طراحی شده است که بیمه مسئولیت مدنی نامیده می‌شود. دیگر راهکارها مثل حق افشاگری و شفافیت اطلاعات، برای تسهیل روابط میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان است. به نظر می‌رسد با توجه به گستردگی شیوع کرونا در کشور ما (ایران)، باید قانونی خاص در خصوص مسئولیت مدنی تزریق واکسن وضع و صندوقی برای جبران خسارات بدنی ناشی از تزریق واکسن پیش‌بینی شود و در مورد سایر خسارت‌ها رابطه سببیت عرفی و در صورت لزوم با ارجاع به کارشناسی در نظر گرفته شود تا زیان دیده بتواند جبران خسارت نماید.

منابع

الف) فارسی

۱. احمدی، خلیل (۲۰۱۴). مسئولیت دولت در بلایای طبیعی. رساله دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران، استاد راهنما: دکتر حسن جعفری.
۲. بادینی، حسن و تخشید، زهرا (۱۳۹۸). مقدمه‌ای تحلیلی و انتقادی بر مطالعه تطبیقی حقوق مسئولیت مدنی امریکا. فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، ۴۹ (۲)، ۲۱۷-۲۳۷.
۳. بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسئولیت مدنی، چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۴. بیژنی، بهار و امینی‌نیا، عاطفه (۱۴۰۰). بررسی مقالات حقوقی و اصول حقوقی مرتبط با بیماری کرونا در حقوق بین‌الملل. فصلنامه مطالعات حقوق، ۶ (۱۵)، ۲۱-۴۱.
۵. بوشهری، جعفر (۱۳۵۴). حقوق اساسی. جلد اول، چاپ ششم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۶. داراب‌پور، مهرباب و داراب‌پور، محمدرضا (۲۰۱۴). حقوق فسخ قرارداد مهندسان. تهران: جنگل جاودان.
۷. داراب‌پور، مهرباب و همکاران (۲۰۱۶). چالش‌های حقوقی در مسئولیت‌های مدنی داخلی و بین‌المللی. چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
۸. زرگوش، مشتاق (۱۳۸۹). مسئولیت مدنی دولت. جلد دوم، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۹. زرگوش، مشتاق (۱۴۰۰). مسئولیت مدنی دولت. جلد اول، تهران: نشر میزان.

۱۰. زرگوش، مشتاق (۱۳۸۶). مبانی نظری مسئولیت مدنی دولت در حوادث غیرمترقبه؛ نظریه دولت بدهکار. *دوفصلنامه حقوق عمومی و حقوق بشر*، (۲ و ۳)، ۷۱-۹۱.
۱۱. مال میر، راضیه؛ ماهر، علی؛ تقیانی، راحله؛ و صفری، محمد صالح (۱۳۹۹). مدیریت بحران بیماری کووید-۱۹: مهندسی مجدد نظام ارائه خدمات سلامت در ایران. *سازمان علمی- پژوهشی نظام پزشکی*، سال اول، ۳۸ (۱)، ۱۱-۱۸.
۱۲. موذنی، مرضیه (۲۰۱۹). مسئولیت مدنی کادر پزشکی بیمارستان در قبال بیمار. *دوفصلنامه بین‌المللی تحقیقات حقوق قضایی*، ۱ (۲)، ۳۹۷-۴۲۵.
۱۳. یزدانیان، علیرضا (۱۴۰۱). تأملی در طرح مسئولیت مدنی دولت در خسارات ناشی از ویروس کرونا در حقوق ایران و فرانسه. *فصلنامه تحقیقات حقوقی، ویژه‌نامه حقوق و کرونا*، ۲۵ (۲)، ۱۳۷-۱۶۲.

ب) عربی

۱. جصاص، ابی بکر احمد بن علی الرازی (۱۴۱۵). *احکام القرآن*. جلد دوم، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. کاشانی ابوکریان، مسعود (۱۴۰۹). *اختراعات صنعتی*. جلد هفتم، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربی.
۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۷). *الفارو من کافی*. جلد هفتاد، چاپ سوم، بیروت: دار کتاب الاسلامیه.
۴. مغربی، نعمان بن محمد بن منصور بن احدهن حیون القیمی المغربی (۱۳۸۳). *داعیم الاسلام*. جلد دوم، چاپ اول، مصر: دارالمعارف.

ج) انگلیسی

1. A. m. linden (1973). tort law as ombudsman, canadian bar review, vol. 51
2. Carol harlow (1995). discretionary power and governmental liability, in: administrative discretion and problems of accountability, 25th colloquy on european law, oxford (united kingdom), council of europe publishing, 27-29 september
3. Coco, antonio and de souza dias, talita "prevent, respond, cooperate: states' due diligence duties vis-à-vis the covid-19 pandemic", (may 7, 2020), journal of international humanitarian legal studies (forthcoming), available
4. Darabpour, Mehrab, et al. (2018). *Tourism Law*, Tehran: Ganj Danesh Library
5. Del Waki (2010). *Philosophy of Law*, translator: Javad Vahedi, first edition, Tehran: Mizan Publications.
6. Do Michel, Andre and Pi Ber Lalomire (1998). *Public Law*, translator: Dr. Boulfazl Ghazi, Tehran: Dadgstar Publications.
7. Erwin chemerinsky (2001). against sovereign immunity, stanford law review, vol. 53
8. George a.berman (1997). integrating governmental and officer tort liability, columbia law review, vol. 8
9. graham dukes (1998). mark mildred and barbara swartz, responsibility for drug-induced injury, ios press, second edition
10. Groutel. (2009). hubert: régimes divers. - indemnisation des victimes d'infraction:

- responsabilité civile et assurances
11. Jordan, Patrice (2007). Principles of civil responsibility, translator: Adib, second edition, Tehran: Mezan Publishing.
 12. Jourdain, patrice (2008). "le recours du commettant contre son préposé pourrait être fondé sur une faute dans l'exécution du contrat de travail". rtd civ.
 13. Lienhard, claude (1995). "pour un droit des catastrophes". recueil dalloz
 14. Likillimba.(2009). guy-auguste "le préjudice individuel et/ou collectif en droit des groupements". rtd com
 15. Pignerol, bernard.(2005). responsabilité et socialisation du risque»» ajda.
 16. Qureshi, ahmer a, "coronavirus & contracts: how the coronavirus may trigger force majeure", american journal of law & medicine, vol. fe, issue 1, march y.y
 17. Renoux.(1992). thierry s. roux.andré.et delebecque. philippe. jerome pansier.frederic, op.cit.p. 9. et daligand. liliane. loriferne. dominique. raynaud. charles-andré. roche. louis.l'evaluation du dommages corporel. 3é.éd. edition alexandre lacassagne.p, et barrois. hervé "assurances terrestres
 18. Responsabilité de la puissance publique Vincent.(2009-2010). françois.responsabilité sans faute. "responsabilité civile et assurances.slim. hadi 19. responsabilité civile délictuelle en droit international privé". juriscasseur responsabilité civile et assurances.
 20. See.(1991). david m.o biren, constitutional law and politics: civil rights and civil liberties, vol. two, new york, w.w.norton and company, first edition
 21. Terneyre.(1993-1994). philippe.bon. pierre "la responsabilité de l'etat en cas de faute commise par des établissements de transfusion sanguine (contamination d'hémophiles par le virus du sida)". recueil dallo. et maugüé. christine. touvet. laurent "responsabilité de la puissance publique en matière hospitalière". ajda.
 22. U.s. v.(1995). montrose chemical corp. of california. united states court of appeals, ninth circuit. mar 21, 1995. 50 f.3d
 23. Vincent.(2010). françois "responsabilité de la puissance publique.responsabilité sans faute". responsabilité civile et assurances
 24. Viney.(2013). geneviève, jourdain, patrice, carval, suzanne. traité de droit civil. les conditions de la responsabilité civile, 4 e. éd, librairie générale de droit et de jurisprudence.
 25. Yazdanian, alireza .(2019). "les conditions traditionnelles de la responsabilité civile et des évolutions contemporaines: approche théorique et pratique", thèse de -doctorat en droit privé, dans le cadre de école doctorale de droit de la sorbonne paris 1 en partenariat avec institut de recherche juridique de la sorbonne (paris) (équipe de recherche)

(د) فرانسوی

1. Batbie. (1826). a.précis de cours de droit public et administratif.3é.éd.cotillon,librairie du conseil d'état.
2. Deguerge. (2000). maryse "responsabilité de la puissance publique. - causalité et imputabilité". juriscasseur responsabilité civile et assurances.
3. Delebecque. (2008). philippe. jerome pansier.frederic. droit des obligations. 4é.éd.lexisnexis
4. Malaurie.philippe.aynés.laurent.obligations. responsabilité délictuelle.11é.éd edition

-
- cujas.(2002). et williatte.(2009). pellitteri lina contribution à élaboration d'un droit civil des éléments aléatoires dommageables. lé.ed.l.g.d.j lextenso édition
5. Malinvaud.philippe.(2005). droit des obligations.9é.ed.lexisnexus. litec
6. Rajot.(2009). bénédicte “fonds de garantie divers”. responsabilité civile et assurances.

٥) وبسایت

1. <https://vajehyab.com/wiki>